

## ساخت و اعتباریابی پرسشنامه تمایل به مشارکت اجتماعی

### Development and validation of a questionnaire for social participation

آرنوش درستکار<sup>۱</sup>، هائیده صابری<sup>۲</sup>، نسرین باقری<sup>۳</sup>

#### Abstract

The purpose of the present study was to validate and construct a willingness to social participate questionnaire. Since this questionnaire was not designed and validated by local and national researchers, the design of such a questionnaire is of great importance. Thus, using survey survey, 303 citizens of Tehrani were selected by random sampling method and studied in order to test and validate the test. Initially, 23 items were designed and 8 experts in the field of social sciences evaluated the content based on the panel of experts to evaluate and modify the items as well as the validity of the questionnaire. The questionnaire

#### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، ساخت و اعتباریابی پرسشنامه تمایل به مشارکت اجتماعی بود. آن‌جا که این پرسشنامه توسط پژوهشگران بومی و محلی طراحی و اعتباریابی نشده بود، طراحی چنین پرسشنامه‌ای از اهمیت بسزایی برخوردار است. به این ترتیب، با استفاده از پژوهش پیمایشی تعداد ۳۰۳ نفر از شهروندان تهرانی با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند تا با تکیه بر آن بتوان، آزمون مورد نظر را تست و اعتباریابی کرد. ابتدا ۲۳ گویه طراحی شده و ۸ نفر از متخصصان حوزه علوم اجتماعی با تکیه بر روایی محتوایی مبتنی بر پانل متخصصان به ارزیابی و اصلاح گویه‌ها و همچنین روایی سنجی پرسشنامه پرداختند. پرسشنامه مورد

۱. دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

had both validity and reliability. Then, by using exploratory factor analysis, more accurate validation was done on the questionnaire. The findings of this analysis showed that the willingness to social participate can be examined in two dimensions: the tendency to social participate due to organizational climate and the tendency to social participate due to personal arousal.

Keywords: social participation, credentialing, validation, factor analysis

نظر هم از روایی و هم از پایایی قابل قبولی برخوردار بود. سپس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، اعتباریابی دقیقتری بر روی پرسشنامه انجام شد. یافته های این تحلیل نشان داد که تمایل به مشارکت اجتماعی را می توان در دو بعد تمایل به مشارکت اجتماعی ناشی از جو سازمانی و تمایل به مشارکت اجتماعی ناشی از برانگیختگی فردی مورد بررسی قرار داد  
واژه های کلیدی: مشارکت اجتماعی، اعتباریابی، روایی، تحلیل عاملی

#### مقدمه

زندگی امروز همواره با تغییرات روزافزون رو به رو بوده و هر روزه شاهد تغییرات شگرفی در دنیای اطرافمان هستیم (فنگ و ژانگ، ۲۰۱۹). در چنین تغییرات شتابانی یکی از مهمترین دغدغه های بشر، ثبات و پایداری در روابط اجتماعی است (یانگ و اوت، ۲۰۱۶). به طوری که نگرانی هایی که امروزه با حاکم شدن دنیای مجازی مطرح شده است بیشتر مبتنی بر کم رنگ شدن روابط اجتماعی در جامعه می باشد (فنگ و ژانگ، ۲۰۱۹). این در حالی است که برخی از اندیشمندان اجتماعی بر این باورند که آنچه انسان را از سایر موجودات جدا می کند، گرایش او به کمال، توسعه و بهتر شدن است. به طوریکه انسان همواره در طول تاریخ تلاش داشته است تا زندگی مرفه تر، مناسب تر و کارآمدتر داشته باشد. به تجربه به او نیز ثابت شده است که برای حصول به چنین خواسته هایی، از روی اختیار و یا اجبار باید اجتماعی زندگی کند. در واقع، علیرغم تمام توانایی هایی که انسان می تواند داشته باشد اما در عین حال، موجودی بسیار ضعیف نیز می باشد. به طوریکه به تنهایی نمی تواند به زندگی خویش ادامه داده و با مخاطرات مختلفی دست و پنجه نرم کند. لذا انسان ها به مرور زمان دریافته اند که برای مقابله با این خطرات و ادامه زندگی باید به صورت گروهی، مشترک و اجتماعی زندگی کنند (علاقه بند، ۱۳۸۴). به هر حال، پایداری،

1 Fang & Zhang

2 Yang & Ott

ثبات و تداوم زندگی بشری در گرو مشارکت و همکاری آن‌ها به منظور دستیابی به زندگی مرفه‌تر و مطلوب‌تر است. این در حالی است که بسیاری از جامعه‌شناسان نیز بر این باورند که جامعه تنها از طریق مشارکت و کنش متقابل صورت می‌گیرد (شارون، ۱۳۷۹). مشارکت اجتماعی یک نوع درگیر شدن در فعالیت‌هایی مانند کارهای سریعی که باید در زمان محدودی به انجام برسند، کارهای داوطلبانه، کمک متقابل به هم‌نوعان و غیره می‌شود (ژو، بای و فنگ، ۲۰۱۸). شایان ذکر است که بدون در نظر گرفتن ماهیت مشارکت اجتماعی و بعد اجتماعی انسان، درک ناقصی از او و توانایی‌های او می‌توانیم داشته باشیم. این در حالی است که حسن، هوپی، وو و ژانگ<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که مشارکت و کنش متقابل بخشی از وجود انسان را تشکیل داده‌اند و نادیده گرفتن این مساله می‌تواند تبعاتی گسترده‌ای را دربرداشته باشد. از دیگر سو، فت<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که وجود اعتماد و مشارکت اجتماعی می‌تواند سرمایه اجتماعی شگفت‌انگیزی در دوران بزرگسالی باشد. وو<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) این مساله را در سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف تحلیل و بررسی کرده است و به این نتیجه دست یافته است که وجود مشارکت در سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف می‌تواند زمینه‌های مستحکمی برای دوام و بقای آن سازمان ایجاد کند.

امروزه، کشورهای پیشرفته دنیا متوجه شده‌اند که برای دستیابی به توسعه پایدار باید تلاش کنند تا نهادهای مدنی و اجتماعی خود را توسعه داده و زمینه‌هایی نیز برای توسعه مشارکت اجتماعی مردم در عرصه‌های مختلف فراهم کنند (لطفی، عدالتخواه، میرزایی و وزیرپور، ۱۳۸۸؛ زیاری، زندوی، آقاجانی و مقدم، ۱۳۸۸). از اینرو، فراکسیون‌ها، نهادها و حزب‌های مردمی گوناگونی ایجاد شده و به صورت فعالانه‌ای در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، محیط زیست، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی به فعالیت می‌پردازند و دست‌آوردهای خیره‌کننده‌ای نیز به دست آورده‌اند. علاوه بر دستاوردهای اجتماعی آن، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مشارکت اجتماعی باعث بهبود سلامت روانی، کاهش استرس‌های زندگی و رضایت از زندگی بیشتر می‌شود (ژو، بای و فنگ، ۲۰۱۸). با این وجود، این توسعه ساختارهای اجتماعی برای مشارکت مردمی در ایران صورت نگرفته است و پژوهش‌های گوناگونی حاکی از آنند که روحیه به شدت فردگرایی در میان ایرانیان شکل گرفته است که راه هرگونه مشارکت اجتماعی را از آن‌ها گرفته است. برای مثال، فراستخواه

1 Gu, Q., Bai, X., & Feng

2 Hsan, I., Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang

3 Fett

4 Wi

(۱۳۹۴) در کتابی با عنوان «ما ایرانیان» به زمینه کاوی ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی می پردازد و اتفاقاً بخش مهمی از استدلال های او مبتنی بر شواهد تجربی به دست آمده از پژوهش هایش می باشد. در پیمایشی که او درباره ویژگی خلق و خویی ایرانیان انجام می دهد، لیستی از ویژگی هایی را به دست می آورد که به ترتیب اولویت آن ها را دسته بندی کرده است. مهم ترین و با اولویت ترین ویژگی جمعی ایرانیان آن است که نه تنها تمایلی به انجام کار جمعی و تیمی ندارند بلکه در کارهای تیمی نیز بسیار ضعیف عمل می کنند (فراستخواه، ۱۳۹۴). در پژوهشی تاریخی، کاتوزیان (۱۳۹۱) ویژگی فرهنگی ایرانیان را یک نوع شخص گرایی می داند که چندان حاضر به مشارکت اجتماعی و تقسیم قدرت در فعالیت های جمعی نیستند. در همین راستا، قاضی مرادی (۱۳۹۳) یکی از مهم ترین ویژگی جامعه ایرانی را در خودمداری آن ها دانسته است که به موجب آن چندان در فعالیت های اجتماعی مشارکت فعال و اثربخش ندارند. این وضعیت در حالی که همان گونه که پیشتر نیز بیان شد یکی از مهم ترین ره آوردهای توسعه پایدار، مشارکت اجتماعی می باشد. دی جیاگر، دی پائولو و گالاقرا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نشان داده اند که توسعه پایدار را می توان هم در عرصه های اجتماعی و کلان بررسی و پی گیری نمود و هم در عرصه های خرد و فردی. در عرصه فردی که مهم ترین مساله، شناخت و یادگیری است به وسیله ارتباطات اجتماعی و مشارکت اجتماعی ساخته می شود. اما نکته امیدوار کننده آن است که اگرچه هنجارها و ارزش های اجتماعی تاثیر معنی داری بر مشارکت اجتماعی دارند (یانگ و اوت، ۲۰۱۶). اما پژوهش ها نشان داده اند که در بافت سازمانی، می توان با اتخاذ سیاست هایی، مشارکت اجتماعی کارکنان را ارتقا داد (لاو، سولی و لی،<sup>۲</sup> ۲۰۱۸). توجه به ارتقای مشارکت اجتماعی از آن رو با اهمیت است که مطالعات گوناگونی نشان داده است که مشارکت اجتماعی تا حد زیادی تعیین کننده خلاقیت و کارآیی سازمان است (سوزبیلر، ۲۰۱۷).

در مبانی نظری مشارکت اجتماعی، با نگاهی به تعاریف مطرح شده از مشارکت اجتماعی می توان چنین ادغان داشت که دیدگاه های متفاوتی درباره مشارکت اجتماعی وجود دارد که هر کدام از این دیدگاه ها، تعاریف خاص خود از این مفهوم را ارائه کرده اند. بنابراین، شاید رسیدن به یک اجماع نظر درباره مفهوم مشارکت اجتماعی امکان پذیر نباشد اما می توان ابعاد و اجزایی از

1 DeJaegher, Di Paolo & Gallagher

2 Lau, Scully & Lee

مشارکت اجتماعی مطرح کرد که در اغلب، تعاریف مطرحیت پیدا کرده است. ذیل هر کدام از این ابعاد و اجزاء بررسی و تحلیل می شوند.

۱. **درگیری ذهنی و عاطفی:** در مرتبه نخست و شاید پیش از هر چیز دیگر، مشارکت به معنای درگیری ذهنی و عاطفی بوده، تنها به کوشش‌های بدنی محدود نمی شود. در مشارکت خود شخص نیز درگیر و تنها مهارت و توانایی های وی و یا امکانات فراهم شده توسط او درگیر نیست. این درگیری روان‌شناختی است نه جسمانی. انسانی که مشارکت می کند خوددرگیر است و نه کاردرگیر. اگر خود احساس کند به صورت واقعی در حرکت‌های کالبدی مشارکت داده شده است، به خود درگیری دست نمی یابد.

۲. **انگیزش برای یاری دادن:** شخص در مشارکت این فرصت را می یابد که از قابلیت ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دستیابی به هدفهای گروهی استفاده نماید از این رو مشارکت با موافقت فرق دارد در موافقت، موافقت کننده یاری ویژه ای نمی کند، بلکه تنها آنچه را که پیش رویش می گذارند، تصویب می کند. در واقع در موافقت، نقش اصلی را تصمیم گیرنده بازی می کند که می کوشد تا با استفاده از توانایی های خویش، جمع را به موافقت وا دارد. اما مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته شده است. مشارکت یک داد و ستد اجتماعی دو سویه میان مردم است و نه روش قبولاندن اندیشه های مسئولان بالا دست. در واقع در مشارکت نقش اصلی با مشارکت کننده است که می کوشد تا توانایی های خویش را آشکار سازد.

۳. **پذیرش مسئولیت:** مشارکت اشخاص را بر می انگیزد تا در کوشش های گروه خود مسئولیت بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می یابد که بی تفاوتی و بی مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم سرنوشتی و مسئولیت بدهد (هاج و گرو، ۲۰۰۷).

به هر حال، پژوهش های گوناگونی به بررسی تمایل به مشارکت از دیدگاه های گوناگون پرداخته اند که ذیل مروری خلاصه بر این پژوهش ها انجام می شود.

حزباوی و موالی زاده (۱۳۸۷) در پژوهش خود مبنی بر بررسی میزان و علل مشارکت اجتماعی جوانان شهر اهواز نشان داد که اگرچه میزان مشارکت اجتماعی جوانان این شهر در سطح پایینی قرار دارد اما زمینه هایی برای ارتقای مشارکت اجتماعی وجود دارد. صداقتی فرد و سخامهر (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر نابرابری بر میزان مشارکت اجتماعی زنان پرداخته و در یافته

های این پژوهش نشان داد که سطح نابرابری جنسیتی درک شده توسط این دانشجویان در سطح بالایی بود و در بین ابعاد مختلف نابرابری ها، نابرابری حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بیشترین احساس نابرابری مربوط به نابرابری حقوقی بوده است. احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی تلاش کردند تا با استفاده از پژوهشی پیمایشی، تعیین کننده های مشارکت اجتماعی را شناسایی کنند. یافته های پژوهش آنان نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی زنان در سطح متوسطی می باشد. علاوه بر آن، یافته ها نشان داد که متغیرهای سن، بعد خانوار، سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات، سطح آگاهی و اطلاعات و اشتغال در خارج از منزل از مهم ترین تعیین کننده های مشارکت اجتماعی زنان روستایی بودند. محمدی شاهبلاغی، ستاره فروزان، همتی و کریملو (۱۳۹۲) در پژوهش خود عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی در عرصه سلامت را مورد بررسی قرار داده و در نتایج خود نشان دادند که سطح تحصیلات، ساعات فراغت در روز، سابقه و مدت مشارکت در سایر فعالیت های اجتماعی با ارزیابی کلی از عوامل مرتبط با مشارکت رابطه معنی داری داشتند. سفیری و تمیز (۱۳۹۰) در پژوهشی به فراتحلیل مطالعه های انجام شده درباره مشارکت اجتماعی پرداختند. در مجموع، ۴۴ پژوهش و مطالعه چاپ شده انتخاب و به استفاده از فراتحلیل کمی، داده های این مقاله ها تحلیل شدند. یافته های این فراتحلیل نشان داد که از نظر محتوایی، این مطالعات دچار مشکل روایی در نمونه گیری، ابزار گردآوری داده ها و قابلیت اعتماد هستند. علاوه بر آن، یافته ها نشان داده است که عدم ذکر جزئیات روشی و آماری در پژوهش و نبود جایگاه مبانی نظری و تجربی و ذکر ارتباط بین آن ها قابل تامل است. یافته های این پژوهش همچنین نشان داده است که عامل اصلی مشارکت اجتماعی در سطح خرد، رفع نیازهای مادی و در سطح کلان، ساختارهای ارزشی و هنجاری جامعه است. نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) در بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل موثر بر آن نشان دادند که میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی این شهرستان در سطح پایینی است و عواملی مانند سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام گرایی، آینده نگری، ساختار خانواده و ... بر آن تاثیر معنی داری داشته اند. یزدان پناه (۱۳۸۶) در بررسی موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی در عرصه های مختلف در سطح پایینی بوده است. یافته ها همچنین حاکی از آن بود که هرچه میزان بی قدرتی و بیگانگی و احساس نابسامانی فردی بیشتر باشد،

میزان مشارکت اجتماعی کمتر می شود. اویو، هوی و سوم (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تفاوت های موجود در سرمایه اجتماعی در کشورهای آسیایی پرداخته و عملکرد ۸۵ شرکت را در طی سال های ۲۰۱۲-۲۰۰۱ مورد بررسی قرار داده و در نتایج خود نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری بین سرمایه اجتماعی و عملکرد شرکت ها وجود داشت. به طوری که هرچه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، عملکرد شرکت ها نیز بالاتر می باشد. نتایج پژوهش کیم، کی لی و بون<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به پیوستن به شبکه های اجتماعی توریستی حاکی از آن بود که سرمایه اجتماعی تاثیر مثبت و معنی داری بر تمایل به شرکت در شبکه های اجتماعی توریستی داشته است. همچنین نتایج تحقیق حسن، هویی، وو و ژانگ (۲۰۱۷) در بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و موفقیت قراردادهای بانکی حاکی از آن بود که رابطه مثبت و معنی داری بین سرمایه اجتماعی و موفقیت قراردادهای بانکی وجود دارد. به طوری که هرچه سرمایه اجتماعی آن کشور بالاتر باشد در قراردادهای بانکی موفقتر عمل می کند.

بررسی ابزارهای موجود برای سنجش مشارکت اجتماعی نیز نشان داد که در زمینه سلامت، پرسشنامه مشارکت اجتماعی در سلامت را در ۵۳ گویه، رشادت و همکاران (۱۳۹۵) طراحی کرده کردند؛ در پژوهش افضلیان سلامی و همکاران (۱۳۹۸) نیز ابزاری با عنوان مشارکت اجتماعی به کار گرفته شده است، اما یک ابزار ناقص در این زمینه به شمار می رود، ابزاری که بتواند بر اساس فرهنگ و بافت سازمان های ایرانی مفاهیم در هم تنیده مشارکت اجتماعی را مورد سنجش قرار دهد، وجود ندارد. از این روز ضرورت دارد تا یک پرسشنامه منسجم و معتبر برای سنجش مشارکت اجتماعی در جامعه ایرانی تهیه شود. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، ساخت و طراحی یک پرسشنامه به منظور سنجش تمایل به مشارکت اجتماعی بود.

## روش

پژوهش حاضر در تلاش بود تا پرسشنامه ای استاندارد شده ای برای تمایل به مشارکت طراحی کند. طراحی این ابزار از آن رو اهمیت دارد که تا به حال پرسشنامه ای بومی در این ارتباط طراحی نشده است و بنابراین، ساخت و اعتباریابی این پرسشنامه می تواند کمک شایان توجهی به اندازه گیری این متغیر کند. بدین ترتیب، از پژوهشی پیمایشی برای بررسی دیدگاه ها و نظرات شهروندان تهرانی استفاده شد. با این اوصاف، جامعه پژوهش شامل تمامی شهروندان شهر تهران بودند که با استفاده از نمونه گیری در دسترس ساده تعداد ۳۰۳ نفر از آن ها انتخاب و مورد مطالعه

1 Qi, Hooy & Som

2 Kim, Lee & Bonn

قرار گرفتند. به منظور طراحی پرسشنامه تمایل به مشارکت اجتماعی، ابتدا ادبیات نظری و تجربی مربوطه به دقت مطالعه و بررسی شد و ۳۲ گویه طراحی شد. به منظور کسب اطمینان از انتخاب گویه ها و آیت‌های مناسب و مطلوب از روائی محتوا (CVR)، پایایی و تحلیل عاملی استفاده شد.

### یافته ها

در این پژوهش به ۸ نفر از متخصصین حوزه علوم اجتماعی سوالات داده شد و از آنان خواسته شد که درخصوص هر یک از سوالات پرسشنامه به سه طیف: الف- آیت‌های ضروری است، ب - مفید اما ضروری نیست و ج - ضرورتی ندارد، پاسخ دهند. پاسخ‌ها بر اساس فرمول CVR به روش زیر محاسبه گردید:

$$CVR = \frac{\text{تعداد متخصصین که گزینه ضروری را انتخاب نموده اند منهای تعداد کل متخصصین تقسیم بر ۲}}{\text{تعداد کل متخصصین تقسیم بر ۲}}$$

که بدین ترتیب با توجه به این که امتیاز حاصله از تک تک سوالات در پرسشنامه بیشتر از مقدار جدول لاوشه بود و از آنجا که از عدد جدول لاوشه کوچکتر بود، بنابراین می توان بیان داشت که وجود آیت‌های مربوطه با سطح معناداری آماری قابل قبول ( $P < 0/05$ ) در این ابزار ضروری و مهم بود.

جدول ۱: چگونگی تحلیل روائی پرسشنامه

کمترین ارزش	فراوانی مشاهده
.۹۹	۵
.۹۹	۶
.۹۹	۷
.۷۵	۸
.۷۸	۹
.۶۲	۱۰
.۵۹	۱۱
.۵۶	۱۲



کمترین ارزش	فراوانی مشاهده
.۵۴	۱۳
.۵۱	۱۴
.۴۹	۱۵
.۴۲	۲۰
.۳۷	۲۵
.۳۳	۳۰
.۳۱	۳۵
.۲۹	۴۰

پس از تعیین و محاسبه CVR، با درخواست از گروه متخصصان، مجدداً پرسشنامه جهت محاسبه CVI به آنان داده شد و از آنان خواسته شد که در مورد هر یک از سؤالات، سه معیار زیر را بر اساس طیف لیکرتی ۴ قسمتی اظهار نظر نمایند: ۱ - مربوط یا اختصاصی بودن، ۲ - سادگی و روان بودن، و ۳ - وضوح ۴ - یا شفاف بودن. سپس با استفاده از فرمول CVI شاخص روایی محتوا محاسبه شد:

$$CVI = \frac{\text{نسبت تعداد ارزیابانی که به آیتم نمره ۳ و ۴ داده اند}}{\text{تقسیم بر تعداد کل ارزیابان}}$$

از آنجا که نمره CVI سؤالات ۰/۸۵ بود که بالاتر از ۰/۷۵ بود بنابراین مناسب تشخیص داده شدند. پس از انجام این مراحل، از تحلیل عاملی اکتشافی نیز برای اعتباریابی بیشتر پرسشنامه استفاده شد.

به منظور استخراج عوامل زیربنایی پرسشنامه مشارکت اجتماعی، اطلاعات گردآوری شده از گروه نمونه به کمک روش تحلیل مؤلفه های اصلی (PCA) تحلیل شد. پیش از آن میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی گویه ها مورد ارزیابی قرار گرفت که در جدول ۲ قابل ملاحظه است.

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی هر یک از گویه های پرسشنامه مشارکت اجتماعی

گویه	میانگین (SD)	چولگی (کشیدگی)	گویه	میانگین (SD)	چولگی (کشیدگی)
۱	۳/۳۹ (۱/۲۶)	-۰/۴۴ (-۰/۸۶)	۱۱	۳/۰۴ (۱/۲۱)	-۰/۱۰ (-۰/۸۹)
۲	۳/۴۵ (۱/۲۴)	-۰/۴۸ (-۰/۷۳)	۱۲	۳/۲۲ (۱/۱۴)	-۰/۲۲ (-۰/۷۶)
۳	۳/۲۶ (۱/۳۰)	-۰/۳۲ (-۱/۰۱)	۱۳	۳/۰۴ (۱/۱۹)	-۰/۰۵ (-۰/۹۰)
۴	۳/۲۰ (۱/۲۸)	-۰/۲۵ (-۱/۰۳)	۱۴	۳/۰۷ (۱/۲۱)	-۰/۱۵ (-۰/۹۷)
۵	۳/۵۱ (۱/۳۲)	-۰/۵۴ (-۰/۸۷)	۱۵	۳/۳۹ (۱/۲۰)	-۰/۶۰ (-۰/۶۲)
۶	۳/۳۷ (۱/۲۳)	-۰/۴۰ (-۰/۸۵)	۱۶	۳/۵۸ (۱/۱۵)	-۰/۷۴ (-۰/۲۳)
۷	۳/۳۸ (۱/۲۸)	-۰/۳۹ (-۰/۹۵)	۱۷	۳/۳۹ (۱/۱۰)	-۰/۴۶ (-۰/۵۲)
۸	۳/۰۰ (۱/۲۰)	-۰/۰۶ (-۰/۹۲)	۱۸	۳/۴۲ (۱/۱۲)	-۰/۵۱ (-۰/۴۴)
۹	۲/۷۸ (۱/۳۲)	-۰/۱۵ (-۱/۱۵)	۱۹	۳/۰۳ (۱/۲۷)	-۰/۰۴ (-۱/۰۷)
۱۰	۲/۸۲ (۱/۲۷)	-۰/۱۶ (-۰/۹۹)	۲۰	۳/۱۶ (۱/۳۴)	-۰/۲۳ (-۱/۰۶)

جدول فوق نشان می دهد که بالاترین میانگین متعلق به گویه ۵ و پایین ترین میانگین متعلق به گویه ۹ است. همچنین جدول ۲ نشان می دهد که شاخص های چولگی و کشیدگی همه گویه ها در محدوده  $\pm ۲$  بوده و بنابراین توزیع داده های مربوط به هر یک از آن ها نرمال است. در ادامه برای تعیین بهترین برازش نمره های پرسشنامه مشارکت اجتماعی، تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از تحلیل مؤلفه های اصلی (PCA) انجام شد. نتایج نشان داد که شاخص کایسر-میر-اولیکن (KMO) برابر با ۰/۸۸۸ و شاخص کرویت بارتلت ( $p < ۰/۰۰۱$ )  $۲۲۰۵/۲۱ = ۳۰۳ (N=)$  به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین چنین نتیجه گیری شد که متغیرها مستقل از هم دیگر نبوده و سطح قابل قبولی از همبستگی بین آن ها وجود دارد که می توان انتظار داشت خوشه یا خوشه هایی ظهور یابد. جدول ۳ تعداد مؤلفه ها، واریانس تبیین شده کل، ارزش های ویژه و واریانس تبیین شده توسط هر مؤلفه را نشان می دهد.

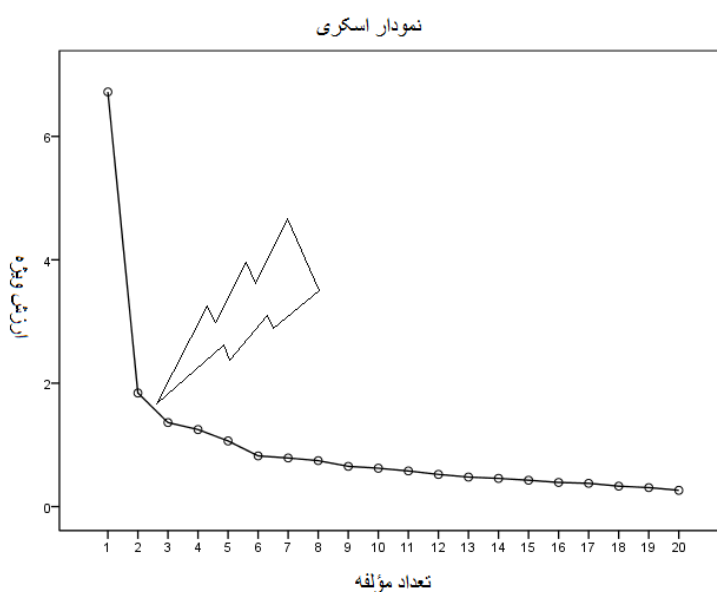
۱- این شاخص نشانگر کافی بودن حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی است و کایسر براین باور است که ارزش KMO بزرگتر از ۰/۵ کافی، بین ۰/۵-۰/۷ متوسط، بین ۰/۷-۰/۸ خوب، ۰/۸-۰/۹ خیلی خوب و بالاتر از ۰/۹ عالی است (فایلد، ۲۰۱۳).

۲- شاخص کرویت بارتلت بیانگر آن است که ماتریس همبستگی متغیرها، ماتریس واحدی را تشکیل می دهد (فایلد، ۲۰۱۳).

جدول ۳: تعداد مؤلفه ها، واریانس تبیین شده کل، ارزش های ویژه و واریانس تبیین شده توسط هر مؤلفه

مؤلفه	ارزش ویژه	سهم منحصر به فرد در تبیین واریانس کل	واریانس تبیین شده جمعی
۱	۶/۷۲	۳۳/۶۰	۳۳/۶۰
۲	۱/۸۴	۹/۲۰	۴۲/۸۰
۳	۱/۳۶	۶/۸۱	۴۹/۶۲
۴	۱/۲۵	۶/۲۴	۵۵/۸۶
۵	۱/۰۶	۵/۳۲	۶۱/۱۸

جدول ۳ نشان می دهد که در تحلیل حاضر ۵ مؤلفه با ارزش ویژه بزرگتر از یک استخراج شده است که ۶۱ درصد از واریانس کل را تبیین می کند. براساس نتایج جدول ۲ سهم مؤلفه اول در تبیین واریانس کل ۳۳/۶۰ درصد و سهم مؤلفه آخر ۵/۳۲ درصد بود. در مقابل ارزیابی نمودار تست اسکری (شکل ۱) نشان داد که منحنی در محل بین مؤلفه ۲ و ۳ دچار شکستگی شده و لذا می توان استنباط نمود که تست اسکری تعداد مؤلفه های استخراج شده را دو در نظر گرفته است.



شکل ۱: تست اسکری در تعیین تعداد مؤلفه ها

به دنبال تعیین تعداد مؤلفه ها، بار دیگر تحلیل با تثبیت تعداد مؤلفه ها به دو تکرار شد و این بار منطبق بر پیشنهاد فایلد (۲۰۱۳) چرخش دایرکت اِبلیمین<sup>۱</sup> برای استخراج مؤلفه ها به کار گرفته شد. فایلد (۲۰۱۳) بر این باور است در صورتی که فرض شود مؤلفه های استخراج شده به لحاظ نظری با یکدیگر همبسته اند، در آن صورت به کار گیری روش چرخش دایرکت اِبلیمین منطقی تر از دیگر روش ها خواهد بود. جدول ۴ بارهای عاملی چرخش یافته گویه های پرسشنامه مشارکت اجتماعی در تحلیل مؤلفه های اصلی را نشان می دهد.

جدول ۴: بارهای عاملی چرخش یافته گویه های پرسشنامه مشارکت اجتماعی در تحلیل مؤلفه های اصلی

ارزش ویژه <sup>۲</sup>	بار عاملی		گویه
	مؤلفه دوم	مؤلفه اول	
۰/۵۱۶	-۰/۱۷۷	۰/۷۸۸	۸. اصول بنیادی و خط مشی های سازمان مناسب است.
۰/۵۶۴	-۰/۰۴۰	۰/۷۷۰	۱۰. نظر کارمندان در تصمیم گیری های سازمانی موثر است.
۰/۴۹۹	-۰/۰۵۱	۰/۷۳۰	۹. قوانین اداری سازمان عادلانه است.
۰/۵۴۰	۰/۰۶۰	۰/۷۰۴	۱۴. کارمندان می دانند که سازمان از تلاش های آنان قدردانی می کند.
۰/۵۱۲	۰/۰۳۳	۰/۶۹۹	۱۳. سازمان در جهت خرسند سازی کارکنان اقدام می کند.
۰/۵۱۶	۰/۰۵۳	۰/۶۹۱	۱۱. بازخورد کارمندان در مورد همایش ها/آموزش ها/جشن ها در رویدادهای بعدی موثر است.
۰/۳۵۱	-۰/۰۰۳	۰/۵۹۴	۷. نیروی انسانی در سازمان اهمیت خاصی دارد.
۰/۴۱۵	۰/۱۳۱	۰/۵۷۰	۲۰. سازمان زمینه مشارکت کارکنان در امور سازمانی را فراهم می کند.
۰/۴۷۴	۰/۲۶۳	۰/۵۲۱	۱۲. عضویت در انجمن ها در تعیین راهبردهای سازمانی نقش دارد.
۰/۲۴۶	-۰/۰۱۶	۰/۵۰۳	۶. سازمان به نیروی انسانی به عنوان سرمایه نگاه می کند.
۰/۳۴۷	۰/۱۷۵	۰/۴۸۳	۱۵. کارمندان می دانند که تلاش آن ها باعث ادامه کار سازمان می شود.
۰/۶۲۰	۰/۷۵۹	۰/۰۵۵	۱۸. در رای گیری ها و نظرسنجی ها شرکت می کنم.
۰/۴۷۱	۰/۷۱۷	-۰/۰۶۹	۱۷. من در همایش ها/جشن ها/جلسات گروهی حضور می یابم.
۰/۳۸۱	۰/۶۱۶	۰/۰۰۵	۲. تمایل دارم در همایش ها و جشن ها حضور یابم.
۰/۴۳۷	۰/۵۹۷	۰/۱۱۵	۳. دوست دارم در انتخابات/رای گیری های داخل سازمان شرکت کنم.
۰/۳۶۴	۰/۵۹۳	۰/۰۲۰	۴. می خواهم در بعضی انجمن های داخل سازمان عضو باشم.

1. direct Oblimin  
2. communalities

ارزش ویژه	بار عاملی		گویه
	مؤلفه دوم	مؤلفه اول	
۰/۲۹۶	۰/۵۷۴	-۰/۰۶۸	۵. دوست دارم در تیم ورزشی/هنری/فوق برنامه حضور داشته باشم.
۰/۳۱۰	۰/۵۴۱	۰/۰۳۱	۱۶. سازمان برای انجام آموزش نیازمند نظر و حرکت کارکنان است.
۰/۲۶۶	۰/۵۲۰	-۰/۰۱۰	۱. دوست دارم در تصمیم گیری های سازمان شرکت کنم.
۰/۴۳۶	۰/۴۷۰	۰/۲۸۸	۱۹. در بعضی انجمن های فوق برنامه عضو هستم.

جدول ۴ نشان می دهد که گویه های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۲۰ مؤلفه اول پرسشنامه را تشکیل داده اند و در این مؤلفه بالاترین بار عاملی متعلق به گویه هشتم ( $\beta=0/788$ ) و پایین ترین بار عاملی متعلق به گویه پانزدهم ( $\beta=0/483$ ) است و نیز گویه های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ مؤلفه دوم پرسشنامه را تشکیل دادند و در این مؤلفه بالاترین بار عاملی متعلق به گویه هجدهم ( $\beta=0/759$ ) و پایین ترین بار عاملی متعلق به گویه نوزدهم ( $\beta=0/470$ ) بود. بنابراین بارعاملی همه گویه ها بر مؤلفه اصلی خود بالاتر از ۰/۴ و بر مؤلفه فرعی کوچکتر از ۰/۳ بود. این موضوع بیانگر توان هر یک از گویه ها در تفکیک دو مؤلفه استخراج شده است. در ادامه با توجه به محتوی گویه ها، مؤلفه اول «مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب» و مؤلفه دوم «مشارکت خود انگیخته» نام گذاری شد. بدین ترتیب در پاسخ به سوال دوم، نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پرسشنامه مشارکت اجتماعی از دو مؤلفه «مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب» و مؤلفه دوم «مشارکت خود انگیخته» تشکیل شده است.

همسانی درونی دو مؤلفه استخراج شده (مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب و مشارکت خود انگیخته) با استفاده از روش آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. ارزش ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب برابر با ۰/۸۷۱ و برای مؤلفه مشارکت خود انگیخته ۰/۸۱۲ به دست آمد. بدین ترتیب چون ارزش ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده برای هر یک از مؤلفه ها بالاتر از ۰/۷ بود، بنابراین در پاسخ به سوال سوم چنین نتیجه گیری شد که گویه های هر یک از مؤلفه های پرسشنامه مشارکت اجتماعی از همسانی درونی مطلوبی برخوردارند. همچنین به منظور ارزیابی روایی همگرایی پرسشنامه مشارکت اجتماعی، ضریب همبستگی مؤلفه های آن با نمره پرسشنامه هویت اجتماعی محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵: میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی بین مؤلفه های مشارکت اجتماعی و هویت اجتماعی

۳	۲	۱	
		-	۱. هویت اجتماعی
	-	۰/۴۳۸**	۲. مشارکت اجتماعی - ناشی از جو سازمانی
-	۰/۵۷۰**	۰/۴۱۰**	۳. مشارکت اجتماعی - ناشی از خودانگیختگی
۳۰/۲۲	۳۴/۱۹	۶۳/۰۴	میانگین
۶/۸۶	۸/۹۸	۱۲/۵۵	انحراف استاندارد
			**P < ۰/۰۱

جدول ۵ نشان می دهد که ضریب همبستگی بین مشارکت اجتماعی ناشی از جو سازمانی مطلوب و هویت اجتماعی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ( $r=0/438, p<0/01$ ) و ضریب همبستگی بین مشارکت اجتماعی ناشی از خودانگیختگی و هویت اجتماعی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ( $r=0/410, p<0/01$ ). بدین ترتیب در پاسخ به سوال چهارم و براساس ضرایب همبستگی بین مؤلفه های مشارکت اجتماعی و هویت اجتماعی چنین نتیجه گیری شد که پرسشنامه مشارکت اجتماعی از روایی همگرا برخوردار است.

### بحث و نتیجه گیری

واقعیت های زندگی انسان ها نشان می دهد که زندگی در تنهایی و انزوا ناممکن است. امروزه پس از میلیون ها سال تجربه حیات اجتماعی روش های اداره جوامع از نظر شکل و محتوا یک روند رو به کمال را طی کرده است. محوری ترین تفاوت این روش ها را اصل مشارکت تعیین می کند. برخی از پژوهشگران ادعا می کنند که بدون مشارکت مردم نمی توان به توسعه پایدار دست یافت و از دید برخی جامعه شناسان فقدان مشارکت با افزایش انحرافات اجتماعی همراه است (را و چو، ۲۰۱۳). هدف از پژوهش حاضر، ساخت و اعتبارسنجی مقیاس سنجش تمایل به مشارکت بود که بدین منظور از پژوهشی پیمایشی استفاده شد و تعداد ۳۰۳ نفر از شهروندان تهرانی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند تا بتوان آزمون مورد نظر را تست و اعتباریابی کرد. با این اوصاف، پرسشنامه ای ۲۳ سوالی طراحی شد که برای اعتباریابی اولیه آن از اعتبار محتوایی مبتنی بر پانل متخصصان استفاده شد و ۸ نفر از متخصصان حوزه علوم اجتماعی درباره گویه های ارائه شده، نظرات خود را ارائه کرده و پس از جرح و تعدیل های لازم، آلفای کرونباخ نیز گرفته شد که با توجه به مقدار به دست آمده (۰/۸۹)، آزمون مورد نظر از پایایی برخوردار بود. پس از این مراحل، از تحلیل عامل اکتشافی نیز برای اعتبارسنجی نهایی پرسشنامه استفاده شد.

یافته های این پژوهش نشان داد که نشان داد که تمایل به مشارکت را می توان از دو بعد مورد بررسی قرار داد که یکی از آن ها تمایل به مشارکت ناشی از جو سازمانی بود و دیگری تمایل به مشارکت ناشی از خود انگیزتگی بود. گویه های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۲۰ مؤلفه های بعد اول، یعنی تمایل به مشارکت ناشی از جو سازمانی را تشکیل داده اند و در این مؤلفه بالاترین بار عاملی متعلق به گویه هشتم ( $\beta=0/788$ ) و پایین ترین بار عاملی متعلق به گویه پانزدهم ( $\beta=0/483$ ) بود و البته گویه های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ مؤلفه دوم پرسشنامه یعنی تمایل به مشارکت ناشی از خودانگیزتگی را تشکیل دادند و در این مؤلفه بالاترین بار عاملی متعلق به گویه هجدهم ( $\beta=0/759$ ) و پایین ترین بار عاملی متعلق به گویه نوزدهم ( $\beta=0/470$ ) بود. بنابراین بارعاملی همه گویه ها بر مؤلفه اصلی خود بالاتر از ۰/۴ و بر مؤلفه فرعی کوچکتر از ۰/۳ بود. این موضوع بیانگر توان هر یک از گویه ها در تفکیک دو مؤلفه استخراج شده است. در ادامه با توجه به محتوی گویه ها، مؤلفه اول «مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب» و مؤلفه دوم «مشارکت خود انگیزته» نام گذاری شد. بدین ترتیب در پاسخ به سوال دوم، نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که پرسشنامه مشارکت اجتماعی از دو مؤلفه «مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب» و مؤلفه دوم «مشارکت خود انگیزته» تشکیل شده است.

همسانی درونی دو مؤلفه استخراج شده (مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب و مشارکت خود انگیزته) با استفاده از روش آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. ارزش ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه مشارکت ناشی از جو سازمانی مطلوب برابر با ۰/۸۷۱ و برای مؤلفه مشارکت خود انگیزته ۰/۸۱۲ به دست آمد.

می توان گفت که ابزار سنجش مشارکت اجتماعی می تواند از شاخص های روان سنجی مطلوبی در گام های اولیه برخوردار باشد. گرچه این ابزار می تواند ابزار سنجش مطلوبی برای مشارکت اجتماعی در سازمان های ایرانی باشد، پیشنهاد می شود با مصاحبه بالینی همراه شود. همچنین گروه نمونه تحقیق برای تحلیل عاملی یک گروه کارکنان در دسترس بود که تعمیم نتایج آن به جمعیت نمونه دیگر با احتیاط باید صورت بگیرد. در نهایت با کاربردهای این ابزار در سازمان های مختلف می توان نتایج دقیق تری به دست آورد. بنابراین پیشنهاد می شود برای سنجش مشارکت اجتماعی از این ابزار استفاده شود.

## منابع

احمدوند، مصطفی، شریف زاده، مریم. (۱۳۹۰). تعیین کننده های مشارکت اجتماعی زنان روستایی. *مطالعات اجتماعی، روانشناختی زنان*، ۲۹، ۱۶۶-۱۳۹.

- افضلیان سلامی، موسی، زمانی مقدم، مسعود، صالحی، اسماعیل. (۱۳۹۸). بررسی مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان خواف. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۳(۲)، ۷-۴۶.
- حزباوی، عزیز و موالی زاده، الهه. (۱۳۸۷). بررسی میزان و علل مشارکت اجتماعی جوانان شهر اهواز. *توسعه اجتماعی*، ۲(۴)، ۱۸۴-۱۶۳.
- رشادت، سهیلا، زکی‌بی، علی، کریمی، پروانه، کماسی، سعید. (۱۳۹۵). مشارکت اجتماعی در سلامت در میان جمعیت عمومی شهر کرمانشاه: نقش پیش‌بینی عوامل شخصیتی و خودکارآمدی. *سلامت اجتماعی*، ۴(۱)، ۴۲-۵۴.
- زیاری، کرامت‌الله، زندوی، سیدمجد‌الدین، آقاجانی، محمد و مقدم، محمد. (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک: نمونه موردی شهرهای گله‌دار، ورزش و هیدج. *جغرافیا و توسعه ناحیه ای*. ۷(۱۳)، ۸۳-۸۹.
- سفیری، خدیجه و تمیز، رقیه. (۱۳۹۰). فراتحلیل مطالعات مشارکت اجتماعی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳(۳)، ۱۳۴-۱۲۳.
- شارون، جوئل. (۱۳۷۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- صداقتی فرد، مجتبی و سخامهر، میترا. (۱۳۹۲). تاثیر نابرابری بر میزان مشارکت اجتماعی زنان. *علوم اجتماعی*، ۱۰(۱)، ۴۳-۶۰.
- علاقه بند، علی. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات روان.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). *ما ایرانیان*. زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی *خلقیات ایرانی*. تهران: نشر نی.
- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۹۳). *پیرامون خودمداری ایرانیان*. تهران: انتشارات آمه.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۹۱). *ایرانیان: دوران باستان تا دوره معاصر*. (ترجمه حسین شهیدی) تهران: نشر مرکز.



- لطفی، حیدر، عدالتخواه، فرداد، میرزایی، مینو و وزیرپور، شب بو. (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقای حقوق شهروندان. *جغرافیای انسانی*، ۲ (۱)، ۱۱۰-۱۰۱.
- محمدی شاهبلاغی، فرحناز، ستاره فروزان، امنه، همتی، ساحل و کریملو، مسعود. (۱۳۹۲). عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی در ارتقای سلامت. *رفاه اجتماعی*، ۴۸، ۷۰-۴۵.
- نوروزی، فیض الله و بختیاری، مهناز. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل موثر بر آن. *راهبرد*، ۱۸ (۵۳)، ۲۶۹-۲۴۹.
- یزدان پناه، لیلیا. (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی. *رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۶)، ۱۳۰-۱۰۵.

## References:

- De Jaegher, H., Di Paolo, E., & Gallagher, S. (2010). Can social interaction constitute social cognition? *Trends in cognitive sciences*, 14(10), 441-447.
- Fang, C., & Zhang, J. (2019). Users' continued participation behavior in social Q&A communities: A motivation perspective. *Computers in Human Behavior*, 92, 87-109.
- Fett, A. K. J., Shergill, S. S., Gromann, P. M., Dumontheil, I., Blakemore, S. J., Yakub, F., & Krabbendam, L. (2014). Trust and social reciprocity in adolescence—a matter of perspective-taking. *Journal of Adolescence*, 37(2), 175-184.
- Guo, Q., Bai, X., & Feng, N. (2018). Social participation and depressive symptoms among Chinese older adults: A study on rural-urban differences. *Journal of affective disorders*, 239, 124-130.
- Hasan, I., Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang, H. (2017). Social capital and debt contracting: Evidence from bank loans and public bonds. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(3), 1017-1047.
- Hodge, G. A., & Greve, C. (2007). Public-private partnerships: an international performance review. *Public administration review*, 67(3), 545-558.
- Kim, M. J., Lee, C. K., & Bonn, M. (2016). The effect of social capital and altruism on seniors' revisit intention to social network sites for tourism-related purposes. *Tourism Management*, 53, 96-107.

- Lau, C. M., Scully, G., & Lee, A. (2018). The effects of organizational politics on employee motivations to participate in target setting and employee budgetary participation. *Journal of Business Research, 90*, 247-259.
- Ooi, C. A., Hooy, C. W., & Som, A. P. M. (2015). Diversity in human and social capital: Empirical evidence from Asian tourism firms in corporate board composition. *Tourism Management, 48*, 139-153.
- Ra, C. K., & Cho, Y. (2013). Differentiated effects of social participation components on suicidal ideation across age groups in South Korea. *BMC Public Health, 13*(1), 890.
- Sözbilir, F. (2018). The interaction between social capital, creativity and efficiency in organizations. *Thinking Skills and Creativity, 27*, 92-100.
- Wu, J. (2014). Cooperation with competitors and product innovation: Moderating effects of technological capability and alliances with universities. *Industrial Marketing Management, 43*(2), 199-209.
- Yang, F., & Ott, H. K. (2016). What motivates the public? The power of social norms in driving public participation with organizations. *Public Relations Review, 42*(5), 832-842